

فرهنگ اندیشه - ۸

در باب عدالت

به کوشش:

دکتر مصطفی یونسی

www.ketab.ir



انتشارات نگارستان اندیشه

تهران ۱۴۰۲

سرشناسه
 عنوان قراردادی
 عنوان و نام پدیدآور
 مشخصات نشر
 مشخصات ظاهری
 فروست
 شابک
 موضوع

یونسی، مصطفی، ۱۳۴۲
 فرهنگ اندیشه (فصلنامه). Farhang Andisheh (Quarterly)
 در باب عدالت/به کوشش مصطفی یونسی.
 تهران: نگارستان اندیشه، ۱۴۰۳.
 ۱۷۶ ص.
 فرهنگ اندیشه؛ ۸.
 978-622-5273-83-2
 عدالت -- نشریات ادواری. عدالت -- دیدگاه فیلسوفان. -- Justice -- Periodicals Justice --
 *Views of philosophers

رده‌بندی کنگره
 رده‌بندی دیویی
 شماره کتابشناسی ملی

۵۷۸JC
 ۰۱۱/۳۳۰
 ۹۵۱۲۵۷۸

www.ketab.ir

در باب عدالت فرهنگ اندیشه - ۸

به کوشش: دکتر مصطفی یونسی

ناشر: نگارستان اندیشه

نوبت چاپ: نخست، ۱۴۰۳

طراح جلد: سعید صحابی

صفحه‌آرایی: مرتضی انصاف‌منش

چاپ و صحافی: بوستان

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

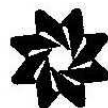
978-622-5273-83-2

حقوق نشر، برای ناشر محفوظ است.

نشانی: م. انقلاب، ابتدای خ آزادی، خ بهزاد، شماره ۲۹، واحد ۷

تلفن: ۶۶۴۳۵۴۶۶ / نمابر: ۶۶۹۴۲۵۴۴

www.cins.ir - info@cins.ir



انتشارات نگارستان اندیشه

- ۷ سخن سر‌دبیر.....
- ۱۱ ارائه طرحی از نسبت‌سنجی «عدالت» و «دانیایی» سقراطی..... ترجمس تاجیک.....
- ۳۷ طرح برشی از عدالت در اندیشه افلاطون..... مصطفی یونسی.....
- ۳۹ عدالت در جمهور (سیاست) لیب‌طون..... ترجمه مصطفی یونسی.....
- ۴۱ تحلیل نظریه عدالت ارسطو با تأکید بر مبانی معرفتی آن..... نگس تاجیک.....
- ۵۹ عدالت در اخلاق نیکوماخوسی ارسطو..... ترجمه مصطفی یونسی.....
- ۶۱ عدالت در جمهور سیسرون..... ترجمه لقمان کریمی.....
- ۷۱ عدالت نزد ابی..... مجید خدوژی / ترجمه مرتضی بحرانی.....
- ۷۷ عدالت در اندیشه‌های اهل مدینه فاضله..... سید جعفر سجادی.....
- ۷۹ عدالت در فلسفه اخلاق آکویناس..... ترجمه حمید نساج.....
- ۸۳ تعریف عدالت در متن آکویناس..... ترجمه حمید نساج.....
- ۸۷ عدل الهی؛ قراری انسانی - الهی..... حاتم قادری.....
- ۱۰۱ لاک و عدالت..... ترجمه مهدی امیری صفت.....
- ۱۰۳ لاک: در باب عدالت..... ترجمه مهدی امیری صفت.....
- ۱۰۹ هگل و عدالت..... ترجمه مهدی امیری صفت.....
- ۱۱۳ خاستگاه نظریه «عدالت‌گفت‌وگویی‌رهایی» در اندیشه سیاسی هابرماس..... سید محمود نجاتی حسینی.....
- ۱۳۳ رالزو عدالت به مثابه انصاف..... سعید خطیب‌زاده.....
- ۱۵۳ عرصه‌های عدالت..... مصطفی یونسی.....
- ۱۶۱ نظریه‌های عدالت (در عرصه اقتصادی): از واکر ای. تا همگر ای..... سید محمد میر‌سندس.....



سخن سردبیر

از زمانی که انسان‌ها در ارتباط با هم به منزله موجودات و عناوین «اخلاقی» با یکدیگر روبه‌رو می‌شوند یا می‌خواهند خود را با این عنوان بشناسانند، مسئله، مبنا و اساس این کار نیز پیش کشیده می‌شود. به دیگر بیان، عنوان‌ها مشابه موجودی «اجتماعی» و حتی «منفرد» گریزی از «ارتباط» و «تعامل» با دیگران ندارد. تعامل و ارتباط مهم نیست، بلکه مسئله، انجام «درست» و نه «نادرست» آن و به تعبیر دیگر، تمایز بر پایه معیار و اساسی «اخلاقی» است. استوار شدن روابط و تعاملات بر پایه معیاری اخلاقی، باعث می‌شود این روابط انسانی، اخلاقی باشند و مشخصاً با این عنوان شناخته شوند، چرا که روابط و تعاملات انسان‌ها در همه عرصه‌های شناخته‌شده، بازتاب و انعکاسی پدید می‌آورد و این بازتاب و انعکاس نوعی رفت و برگشت و تعامل را پدید می‌آورد. همه این امور اجتناب‌ناپذیرند. در چنین فضایی، مسئله عدالت/داد پیش می‌آید؛ مسئله‌ای اولیه و اولی که در فرهنگ‌ها و تمدن‌های قدیم و پساقدیم، در قالب واژه عدالت یا مفاهیمی مشابه آن مطرح بوده است. پس می‌توان عدالت را مقوله‌ای دانست که به صورت در زمانی/تاریخی قابل بررسی است.

بر اساس آنچه گفته آمد، مجموعه مقالات تالیفی و ترجمه‌ای پیش روی می‌کوشد مقوله عدالت یا مفهوم مشابه آن را به مثابه ایده‌ای در گذر تاریخ طرح کند و در همان حال، با نظر داشت گستردگی و بینامتنی بودن عدالت، تا آنجا که ممکن است شواهد و مثال‌هایی به صورت گزینشی از فرهنگ‌های مختلف آورده شده است با این هدف که مباحث یک‌سویه نباشد. همچنین کوشش شده تا آنجا که ممکن است «متن» اندیشمند با «روایت» درباره متن او

همراه شود، با این هدف که خواننده بتواند در کنار متن اندیشمند مورد بررسی، نوشتاری نیز درباره دیدگاه وی درباره عدالت در دسترس داشته باشد. در این زمینه، برخی از متون برای نخستین بار ترجمه شده‌اند. این، پشتوانه روشی و عملی ترتیب و تنظیم مقالات است. در ادامه به تبلور و عینیت محتوایی این پشتوانه در نوشتارهای پیش روی اشاره می‌شود.

مؤلف نوشتار نخست، در چهارچوب بررسی نسبت عدالت و دانایی در اندیشه سقراط، قصد دارد این ایده را نشان دهد که بین عدالت و دانایی، نسبت‌های مختلف این‌همانی، شرطی، و... را می‌توان برقرار کرد یا نکرد و فرد می‌تواند همزمان، هم عادل باشد و هم دانا. به بیان دیگر، نکته، همزمان عادل و دانا بودن فرد است. اگرچه می‌توان از این منظر شناخت‌شناسانه انتقاد کرد و از آن ایراد گرفت، یا میزان آن را بسیار شدید تشخیص داد، اما این نوع رابطه میان عدالت و دانایی، زمینه را برای مقاله بعدی آماده می‌کند. مقاله مذکور می‌کوشد با نگاه معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی، در ایده سقراطی متوقف نماند و در بحث و گفت‌وگوی با آن، از آن فراتر رود. بر همین اساس، این مقاله، تمایز میان بود و نمود (مقولات تخصصی، فنی و فلسفی) را در اندیشه افلاطون پیش می‌کشد و هستی‌شناسی این دو واژه را با مقوله درونی نفس انسان مرتبط می‌سازد.

مطالعه عمده‌تأ معرفت‌شناختی و در عین حال هستی‌شناختی دیدگاه افلاطون درباره عدالت، این مقوله را به نوعی از عرصه خرد به عرصه کلان و کلی می‌برد و ظاهراً حد و مرزهای رایج و مرسوم را زیر پا می‌گذارد. در این زمینه، مقاله بعدی که درباره ارسطو است، از دو منظر، از اتصال و گسست نسبت به مقاله پیشین برخوردار است. از منظر ارتباطی، مقاله سوم می‌کوشد به شکل مشخص‌تر و آشکارتری، مبانی «معرفتی» عدالت ارسطویی را بازنمایی کند. گسست نیز از آن روست که عدالت کلی و عام افلاطون را تخصیص می‌دهد و آن را به عدالت‌های مشخص و جزئی تفکیک و تقسیم می‌کند تا عرصه‌ها، مشخص و عدالت متناسب با هر عرصه معین شود.

فضای مفهومی و فلسفی بررسی دیدگاه‌های افلاطون و ارسطو درباره عدالت، با توجه به تحولات درونی فلسفه و تحولات بیرونی ادامه می‌یابد و به بیانی دیگر، در فضای فرافلسفی یا رتوریک دوره روم به سوی انضمامی‌تر شدن و در همان حال، یافتن وجه بیرونی و محدود نشدن به داخل حرکت می‌کند. دو نکته پیش‌گفته در مقاله چهارم، از میان مقالات ترجمه‌ای - که برای نخستین بار از «جمهور» سیسرون ترجمه می‌شود - مستتر است. در این مقاله، به جای

بحث‌های فلسفی درباره عدالت، شاهد بحثی رقابتی، اقناعی و خطابی هستیم. به علاوه عدالت در این دیدگاه، به مرزهای درونی سیاسی محدود نمی‌شود، بلکه به فراسوی مرزها می‌رود و بُعد دیگری علاوه بر بُعد داخلی می‌یابد؛ بُعدی که شاید مهم‌تر هم باشد.

این تحول، ای منظر عقل فلسفی و ایدئالیسم، چندان مطلوب و نیک انجام نیست. این مهم به خوبی در مقاله پنجم بازتاب یافته و برجسته‌تر شده است، چرا که فارابی از منظر بینا فرهنگی و تطبیقی، عدالت عقلانی را پیش می‌کشد که تنها در اجتماع ایدئال تحقق یافتنی است. پس بر اساس خوانش «چند لایه» فارابی از سنت‌های مختلف و در چهارچوب مدل «تناسب‌ساز» باید به عدالت عقلانی به مثابه وجهی از عدالت فلسفی - که مساوی «عدالت الهی» است - بازگشت و آن را محقق ساخت. اما تحقق آن در هر بستری ممکن نیست و بستری مطلوب و ایدئال را می‌طلبید. مقالات بعدی - عدالت در فلسفه اخلاق آکوئیناس و عدل الهی؛ قراری انسانی - الهی - به تناسب، ادامه ایده کلی مقاله پیش‌گفته‌اند.

بدین ترتیب، عدالت به مثابه قراری الهی - انسانی، مطرح و تز غالب می‌شود. اما به تدریج با تحولات عینی و نظری درونی در اروپا و برخی کشورهای اروپایی، گسست و انفصالی در این رابطه دو سویه ایجاد شد و به تدریج به دلیل غلبه یک سو بر سوی دیگر، مباحث وجه اجتماعی و انسانی می‌یابد. به این معنا، با ورود هابز، لاک و روسو و مباحث آنها درباره عدالت، عدالت قراری انسانی - اجتماعی می‌شود. این نکته را مقاله دیدگاه لاک درباره مالکیت به خوبی نشان می‌دهد. در این مقاله - که برای نخستین بار به فارسی ترجمه شده است - لاک مقوله‌ای را که خداوند به صورت مشترک به همه انسان‌ها داده است، با شرایط و قیودی تخصیص می‌دهد و می‌گوید که فرد فرد انسان‌ها می‌توانند به صورت مستقل و با قرار و مدار با یکدیگر، آن را به دست آورند، چنان‌که دیگران حقی نسبت به آن نداشته باشند.

اما دیدگاه لاک یگانه مدل مطرح در عرصه جدید و پیوستار پیش‌گفته نیست، زیرا در ادامه و در مقاله بعدی، هگل بازنمایی دیگری ارائه می‌دهد. در اینجا، به جای فرد فرد انسان‌ها، جامعه در مقام یک «کل» مقدم است و از این رو باید از «حق» اخلاقی کل سخن گفت و عدالت یا حق را در سایه اخلاق مدنی و جامعه‌ای فهمید و بررسی کرد. البته هگل در پیوند با لاک، به مقوله مالکیت نیز توجه ویژه‌ای دارد، بدین معنا که مالکیت نه صرفاً و منحصرأً یا شیء بیرون از انسان، بلکه در ارتباط با «خود انسان» طرح می‌شود.

اما به نظر می‌رسد که کل‌گرایی هگل در چهارچوب سنت آلمانی، به شکل یک کلی پذیرفته نمی‌شود، چرا که مقاله درباره عدالت هابرماسی از دو زاویه طرح «عدالت گفت‌وگویی رهایی» قصد دارد منظری رویه‌گرایانه - در برابر ذات‌گرایانه - از عدالت هابرماسی ارائه دهد. اما، این، یگانه روایت معاصر نیست، چرا که در چهارچوب سنت آنگلساکسونی نیز محور شدن بحث عدالت رالز شاهد راه افتادن انبوهی از مباحث در این چهارچوب و نیز سنت‌ها و چهارچوب‌های دیگر هستیم. از این رو علاوه بر حجم نسبتاً بیشتر مطالب مربوط به عدالت رالزی (عدالت به‌مثابه انصاف)، دست به انتخاب زده و دیدگاه «والزر» (عرصه‌بندی عدالت یا برابری پیچیده) را در مقام منظری بدیل در آخرین مقاله طرح کرده‌ایم. مقاله والزر نیز برای نخستین بار به فارسی برگردانده شده است.

مقاله پایانی (نظریه‌های عدالت در عرصه اقتصادی) نیز ضمن مروری گذرا بر تاریخچه‌ی تطور اندیشه و نظریه‌های عدالت، به روند واگرایی و همگرایی این نظریه‌ها در حوزه اقتصادی می‌پردازد.

www.ketab.ir